

بررسی جایگاه فرهنگ در عصر صفویه

مهرنوش خروارریز^۱

^۱ کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده

هدف اصلی این مطالعه شناخت جایگاه فرهنگ در عصر صفویه است. روش تحقیق تاریخی-توصیفی و شیوه مطالعه کتابخانه‌ای می باشد. نتایج مطالعات پیشرفت هنر و معماری به لحاظ کمی، پدیدآمدن سبک هندی در ادبیات، ایجاد زیربنای هنر قالی‌بافی در ایران، رسمی شدن مذهب تشیع و حضور فرهنگی زنان در جامعه را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، هنر و ادبیات، مذهب، صفویه

مقدمه

یکی از دوره های مهم تاریخی کشور ایران هم به لحاظ تامین کننده استقلال و هویت ملی - دینی و هم تاثیر شگرف آن در فرهنگ مذهبی جاری، دوره صفوی است. صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی برابر ۱۱۳۵ - ۹۰۷ قمری و ۱۷۲۲ - ۱۵۰۱ میلادی حدوداً به مدت ۲۲۱ سال بر ایران فرمانروایی کردند. ایران پیش از صفوی، ایرانی از هم گسیخته و پراکنده بود که هر گوشه ای از آن، در اختیار دولت و طایفه ای بود. روزگاری نیز که سلطه واحدی بر همه آن اعمال می شد، فرمان و سلطه از آن شام، بغداد و یا ترکان ماوراءالنهر و مغولان بود. با آغاز فعالیت صفویان، شاه اسماعیل، به همراه سپاه نیرومند قزلباش، ایران را یکپارچه و متحد کرد و فرزندان او، کوشیدند تا فرهنگ بالنسبه منسجمی را در این کشور فراهم آورده، با حمایت از علما، ادبا، هنرمندان، صنعتگران و پیشه وران و کشاورزان، کشوری یک دست به وجود آوردند. کوشش آنان، تا اندازه زیادی نتیجه بخش بوده و نه تنها ایران را طی دویست و سی سال متحد نگاه داشت، بلکه پس از آن تا به امروز همان اتحاد بر جای مانده، جز آن که بخشهایی از خاک آن از دست رفته است. این نشانگران است که کار صفویان دراستقلال بخشیدن به ایران، کاری کارستان بوده است، کاری که ما هنوز از میراث آن بهره مندیم. مسأله ای اصلی پژوهش این است که اولاً وضعیت فرهنگ در عصر صفوی، ثانیاً شناسایی مسائل فرهنگی آن دوره و هم چنین اهمیت فرهنگ و ارتقا آن در دوره مورد بحث می باشد. اهمیت پژوهش این است که می توان با نگاهی به گذشته ایران نگاهی جدید را جهت ترفیع مسائل فرهنگی روز کشور در زمینه هنری، ادبیات و مذهبی و ... داشت. هدف اصلی این مقاله شناخت و بررسی جایگاه فرهنگ در عصر صفویه است. روش گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای به شیوه تاریخی - توصیفی می باشد.

روش تحقیق

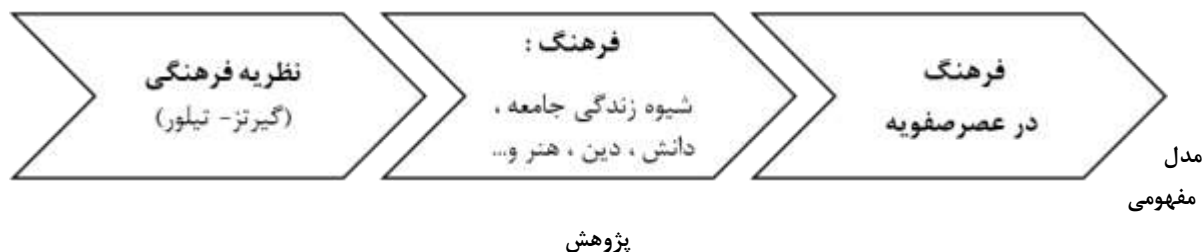
روش گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای به شیوه تاریخی - توصیفی می باشد.

چارچوب نظری

در بررسی هر موضوع علمی، تحقیقی و پژوهشی، تبیین مبادی تصویری به شیوه مطلوب و صحیح بسیاری از مشکلات را حل و در روشن شدن تصدیقات کمک شایانی به پژوهشگر در بیان موضوع مورد نظر می کند، بنابراین پرداختن به تصورات جهت نیل به تصدیقات امری ضروری به نظر می رسد. در تعریفی فرهنگ شامل باورهای سنتی، شکل های اجتماعی و ویژگی های مادی یک گروه نژادی، دینی با اجتماعی و شکل یک پارچه آگاهی، اعتقاد و رفتار انسان است که تابع ظرفیت فراگیری او و انتقال آگاهی ها به نسل های بعدی است (صدری افشار و دیگران، ۱۳۷۷).

تیلور «فرهنگ را حاصل رفتار و کردار انسان هایی می داند که در جامعه زندگی می کنند. به بیان دیگر فرهنگ شیوه کلی زندگی در هر جامعه است» (ستوده، ۱۳۷۶). فرهنگ کلیت در هم بافتی است که دانش، دین، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی که آدمی بعنوان عضوی از جامعه بدست می آورد را شامل می گردد (مالینوفسکی، ۱۳۸۴).

بنا به تعریف گلیفورد گیرتز فرهنگ به منزله کلیتی از ویژگی های معنوی، مادی، فکری و احساسی است و به منزله مشخصه یک گروه اجتماعی، بر اثر تغییر و تحولات سیاسی و تکنولوژیک دچار دگرگونی می شود. هیچ فرهنگی از تأثیرپذیری از فرهنگ های دیگر و تحولات اجتماعی درونی و بیرونی در امان نبوده و ثابت و ایستا نیست (سلیمی و سیفی آتشگاه، ۱۳۸۸).



دولت صفوی بنیان گذار دولتی واحد با مذهبی واحد

از نظر تاریخ ایران معاصر، دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیاتی است: نخست ایجاد ملتی واحد با مسئولیتی واحد در برابر مهاجمان و دشمنان، و نیز در مقابل گردنکشان و عاصیان بر حکومت مرکزی؛ دوم ایجاد ملتی دارای مذهبی خاص که بدان شناخته شد و به خاطر دفاع از همان مذهب، دشواریهای بزرگ را در برابر هجومهای دو دولت نیرومند شرقی و غربی تحمل نموده است. در این مورد، مذهب رسمی شیعه دوازده امامی، همان کاری را انجام داد که اکنون ایدئولوژیهای سیاسی در تشکیل حکومتها می کنند. به هر حال با تشکیل دولت صفوی، گذشته دیربازی از گسیختگی پیوندهای ملی ایرانیان به دست فراموشی سپرده شد و بار دیگر به قول براون، از ملت ایران «ملتی قائم بالذات، متحد، توانا و واجب الاحترام ساخت و ثغور آن را در ایام سلطنت شاه عباس اول به حدود امپراتوری ساسانیان رسانید.» (صفا، ۱۳۷۲).

رشته اصلی این پیوند ملی، مذهب تشیع بود، و گر نه با وضعی که در آن ایام پیش آمده بود، هیچ عامل دیگری نمی توانست چنین تأثیری در بازگرداندن آن پیوند و همبستگی داشته باشد، چنانکه اهل سنت ایران که در عهد شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب زیر فشارهای سختی بودند، بقای دولت عثمانی و ضمیمه شدن ایران را به خاک آن دولت آرزو می کردند. دسته هایی از کردان سنی مذهب که تمایلی به اطاعت از یک پادشاه شیعی مذهب نداشتند، بی هیچ گونه مقاومتی و مخالفتی در قلمرو عثمانی باقی ماندند؛ و دست به دست گشتن برخی از نواحی کردنشین میان دو دولت عثمانی و صفوی تأثیری در مذهب آنها نداشت.

باید دانست که چنین اندیشه ای اصلاً در دوران اسلامی امری تازه و بدیع نبود، چه پس از استقرار قطعی فرهنگ اسلامی در میان ایرانیان و سستی پذیرفتن سیاست ملی و نژادی که در سده های سوم و چهارم و نیمی از سده پنجم هجری صورت گرفت، سلطنت هر مسلمان اهل سنت از هر نژاد خواه ایرانی یا آفریانی، بی هیچ گونه مخالفت بنیادی پذیرفته می شد، مگر از جانب قدرت جویان رقیب، و سرّ موفقیت غلامان و قبایل گوناگون ترک نژاد در حکومت چند صد ساله بر ایران نیز همین بود.

شعر و ادبیات عصر صفویه

با آغاز دوران صفوی در ایران و اعلام تشیع دوازده امامی به عنوان مذهب رسمی دولت صفوی، اوضاع و شرایط جدیدی پدید آمد که برای شکوفایی ادبیات، چندان مطلوب نبود. حکام مذهبی و روحانیون مقتدر شیعه در سده شانزدهم/دهم که تأثیر زیادی در سیاست رسمی داشتند، چندان علاقه‌ای به ادبیات سنتی درباری نشان ندادند؛ برعکس، بارآوری شعر مذهبی مورد تشویق آن‌ها قرار گرفت. مضامین شعر مذهبی دوره صفوی از داستان‌های مربوط به شهادت ائمه مایه می‌گرفت، هر چند دوستداری و هواداری از علویان در شعر بیش از دوره صفویان نیز رواج داشت. برجسته‌ترین شاعر دوره صفوی در نوع ادبیات مذهبی، محتشم کاشانی بود، که ترجیع بند زیبایی او در وصف کربلا و عاشورا معروف است (سوچک و دیگران، ۱۳۸۵). بنابراین بسیاری از شاعران به هند مهاجرات کردند، سبک هندی در شعر رواج یافت. دربار اکبر شاه جایی برای شاعران و نویسندگان پارسی زبان شد (وزیری، ۱۳۸۸). پاره‌ای از فاضلان و متبعمان شعر و ادب فارسی به شدت از لفظ هندی پرهیز نموده سبک اصفهانی یا شیوه اصفهانی را به کار برده‌اند (تمیم داری، ۱۳۷۲). در دوره صفویه داستان‌هایی مانند رموز حمزه، اسکندرنامه، حسین کردشستری و ترجمه‌هایی از حماسه هندی و عاشقانه‌هایی مانند رامایا نام به فارسی صورت گرفت. اما در زمینه‌ی داستان‌های حماسی ایران کاری انجام نگرفته است (وزیری، ۱۳۸۸).

این دوره به دلیل نظریات برخی ادب‌پژوهان قدیمی از جمله یان رپیکا، هرمان اته، ادوارد براون و چندی ناقدان ایرانی به دوره‌ای مشهور شد که ادبیات فارسی در آن چندان رونق نداشته است و براون می‌گوید «یکی از مسائل عجیب و در بادی امر لا ینحل زمان صفویه قحط و فقدان شعرای مهم است» و یا شاعران آن را در درجه اول نمی‌دانند و ارزش زیادی برای سبک هندی به عنوان یک سبک شعری خلاقانه در این دوره قائل نیستند. سبک هندی در عصر صفوی زیاد مهم تلقی نبود بدلیل: الف) پادشاهان صفوی ترک زبان بودند. ب) تصوف و عرفان را که با شعر پیوند استواری داشت از میان بردند. ج) از گویندگان و نویسندگان حمایت نمی‌شد پادشاهان صفوی با شعر مدحی درباری مخالف بودند. و) سلاطین در پی کشورگشایی، فرصت پرداختن به شعر و ادب را نداشتند. ز) شاعران ترک دیار کردند و به دربارهای بیگانه پناه بردند. اما مدارک بسیاری به دست آمده که پادشاهان صفوی و شاهزادگان به ترکی و فارسی شعر می‌سروده‌اند و شاه اسماعیل «خطایی» تخلص می‌کرده است (تمیم داری، ۱۳۷۲).

هنر و معماری عصر صفویه

پس از تیموریان، پیدایش سلسله صفوی دستاوردهای قابل توجهی معماری ایرانی را به ارمغان آورد. با ظهور شاه عباس اول (۱۶۲۷-۱۰۳۷/۱۵۸۹-۹۹۹) عصر زرین معمار صفوی آغاز شد. او به خاطر استعداد چشمگیر و ذوق هنری اش و با کمک ثروتی که حکومت شایسته اش پدید آورده بود، دوران تازه‌ای را در معماری ایران آغاز کرد (آرتورپوپ، ۱۳۶۶). عماراتی که در زمان سلطنت صفوی در ایران برپا شد از جذابترین و زیباترین بناهای کل معماری ایران است. بسیاری از ویژگیها و خصوصیات ذاتی معماری ایران در شبکه‌ای از کاشی‌های لعابدار، سردرهای برافراشته، گنبدهای پیازی شکل و مناره‌های قلمی آن گرد آمد. دستاوردهای معماری صفوی به لحاظ عظمت و نفاست از شکوه خاصی برخوردار است (بلر و بلوم، ۱۳۸۱).

شهرهای تبریز، قزوین و اصفهان به ترتیب در زمانهای شاه اسماعیل (۹۰۷/۱۵۰۱) شاه طهماسب (۹۴۰/۱۵۲۳) و شاه عباس صفوی (۹۹۶/۱۵۸۷) به عنوان پایتختهای ایران انتخاب و هر کدام شاهد ساخت بناهایی از جمله مسجد، کاخ و کاروانسرا و پل بودند. با این وجود در زمان شاه ارشمنندی احداث شد (کیانی، ۱۳۷۷).

نقشه‌های مساجد صفوی از روی نمونه‌های پیشین ایرانی پیروی شده که از آن جمله مسجد شاه اصفهان از بزرگترین مساجد صفویه است. به علاوه فرمانروایان صفوی در ایران مقبره‌هایی با برخی تغییرات ساخته‌اند، در حالی که در شرق ایران مقبره‌های هشت ضلعی ساخته می‌شد، در غرب ایران مقبره‌ها را با سالتی گنبددار و افزایش فضاها بر آن می‌ساختند. از جمله قدیمی‌ترین بناهای صفوی، آرامگاه و مسجد شیخ صفی‌الدین اردبیلی است که در سده شانزدهم/دهم ساخته شده است (علام، ۱۳۸۲).

در این دوران استفاده از کاشی معرق و هفت رنگ برای تزیینات، رونق فراوان یافت، به طوری که ساختمان‌های مذهبی این دوره از گنبد، ایوان، طاق نما، سردر ورودی و حتی مناره‌ها با کاشی آراسته شد و خطاطی و خوشنویسی روی کاشی نیز در آرایش بناهای مذهبی عمومیت یافت و بناهای متعددی با خطوط ثلث، نسخ، نستعلیق و خطوط دیگر تزیین گردید (کیانی، ۱۳۷۷).

مقرنس‌ها به عنوان عنصر مهمی از عناصر تزیینات معماری به کار می‌رفت که با کاشی رنگی پوشیده می‌شد. این تزیینات شکل زیبایی به مکان عبادت می‌بخشد. لوحه‌های چوبی نیز برای پوشش در برخی کاخ‌ها به کار می‌رفت. این تزیینات گاهی با رنگ طلایی گود یا برجسته بود. گچبری‌های نقشدار رنگی نیز زینت‌بخش دیوار کاخ‌ها از جمله کاخ عالی قاپو بوده است (علام، ۱۳۸۲).

فرش در دوره صفویه

دردوران صفویه اوج شکوه و اعجاب هنر قالی بافی ایران آغاز می‌شود. در این عصر کارگاههای قالی بافی در شهرهای بزرگ به خصوص اصفهان و تبریز دایر می‌گردد. بیشتر قالی‌های نفیس در موزه‌های جهان که از استادی ایرانیان در نقش، رنگ و بافت نشان دارد، ثمره تلاش بافندگان و طراحان قالی ایران در این دوره است (حشمتی رضوی، ۱۳۸۰). در این دوره ایجاد روابط تجاری با کشورهای اروپایی و ورود جهان گردان و سیاحان و سفرا به ایران زمینه گسترش روابط فرهنگی و تجاری را با دیگر کشورها فراهم ساخت و استقبال از قالی‌های نفیس ایرانی در اروپا بر اهمیت دستبافی و رونق سفارشات افزود (پساوولی، ۱۳۷۹). افزایش بی‌سابقه در تعداد فرش‌های موجود از قرن ۱۱ ه. ق. نسبت به قرن ۱۰ ه. ق. که بیشتر آن‌ها در کشورهای غربی به دست آمده‌اند، نشانگر تجارت گسترده فرش توسط شرکت‌های انگلیسی، هلندی و پرتغالی است که در خلیج فارس در رفت و آمد بوده‌اند (واکر، ۱۳۸۴). توجه هنرمندان و گسترش امکانات از یک سو و همکاری استادان تذهیب و پیشرفت رنگرزی از سوی دیگر از دیگر عوامل پیشرفت این صنعت در دوره صفوی بود (حشمتی رضوی، ۱۳۷۲). چرا که شاه طهماسب و شاه عباس برای تهیه قالی‌های خود از نقاشان و قالی‌بافان طراز اول آن زمان کمک خواستند. مخصوصاً آثار نقاشان برای این منظور بسیار مناسب بود. قالی‌هایی که در سایه‌ی حمایت این شاهزادگان تهیه گردید. طبعاً یک فرآورده شهری بود نه روستایی؛ چه تهیه آن مستلزم داشتن ابزار کار و استعداد و ذوق هنری بود که مردم روستا نشین و افراد قبایل فاقد آن بودند (ادوارد، ۱۳۶۸). قالی‌های شهری ایران در دوره صفوی معمولاً در همه شهرها دارای تزیین پرزرق و برق، موج و پریچ و خم و پر از گل و بوته و مملو از رئالیسم قراردادی بود که هر چه بیشتر جای نقشه‌های هندسی کهن را گرفته بود. گو اینکه ایلات ایران همچنان از نقش مایه‌های هندسی استفاده می‌کردند (اسکارچیا، ۱۳۷۶). در دوره صفویه طرح‌های قالی از خلاقیت و نبوغ هنرمندان این عصر چنان بارور می‌شود که پس از گذشت چند صد سال هنوز مورد تقلید بوده و با همه کوششی که برای گشودن راهی به فراسوی چارچوب هنری این دوران معمول گردیده جز در تعدادی معدود توفیق چندانی نصیب طراحان قالی نگردیده است (نصیری، ۱۳۷۴).

اوضاع فرهنگی

در عصر صفوی بر طبق روایت های بسیار در دربار، میان عالمان اخباری و حکما و فیلسوفان درگیری های عمده فکری وجود داشت و اقداماتی چند بر علیه تصوف و صوفی گری به واسطه علمای تشیع که اکثراً از کشورهای عرب زبان به ایران آورده شده بودند انجام شد. از سایر معارف دینی به کلام و الهیات اهل فلسفه توجه خاص شد، چرا که آن چه در این عصر «حکمت» خوانده می شد در واقع تلفیقی بین الهیات، فلسفه با کلام و مقبولات عرفان بود و چون با علوم رسمی تدریس می شد چندان با مخالفت علما مواجه نگردید خاصه که میر محمد باقر داماد و شاگردش صدرالدین شیرازی ضمن اشتغال به الهیات و حکمت عقلی به معارف شرعی هم علاقه نشان می داده اند (زرین کوب، ۱۳۸۴).

رونق مدارس و گسترش علوم الهی، حکمی، فقه و ... کمک شایانی به رشد فرهنگی کرده است. شماره کتاب خانه هایی که در عصر صفویه در ایران وجود داشته بسیار زیاد است از آن جمله بوده: کتابخانه شاه طهماسب اول، کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا ۲۱۱۲ صفوی (نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهشهای میان رشته ای، ۱۳۸۹).

کتابخانه سام میرزا، کتابخانه مدرسه ذوالفقار اصفهان، کتابخانه شیخ بهایی در اصفهان، کتابخانه مدرسه چهارباغ اصفهان و ... تعداد زیادی کتابخانه دیگر که شماره شان از ۷۰ تجاوز می کرده است (همان).

اوضاع فرهنگی زنان صفوی یکی دیگر از مسائلی مهم آن دوران می باشد. در دوره صفویه با چند گروه از زنان سرو کار داریم: زنان طبقات بالای جامعه که بخش عظیمی از زنان دهقانان که به صورت همگانی در تشکیلات قبیله ای در مناطق دور و نزدیک شهر ها یا در مناطق کشاورزی به صورت یکجا نشین در روستاهای خود زندگی می کرده اند را تشکیل می دهند و آنهایی که در فعالیت های هنری، صنعتی و مهارتی به شیوه منظمی در شهرها و شهرک ها درگیر بوده اند. زنانی که به صورت موقت ازدواج می کردند، روسپیان و کنیزکان، روش هایی که این زنان از طریق آن در زندگی اجتماعی شرکت می کردند متفاوت بود اما در کل نمایش زن در خور تعجب و ستایش بوده است. (صادقی، ۱۳۸۴) شاردن، زنان دوره صفوی را اینگونه توصیف می کرد «اغلب زنان در فعالیت های مولد خانگی، آشپزی، دوختن لباس شرکت داشتند... زنان طبقات بالا کار نمی کردند. زنان شهری نیز حجاب داشتند و از کل جامعه جدا بودند.» (کاظمی، ۱۳۸۸).

در این عصر زنان و دختران درباریان و سران کشور علاوه بر علم آموزی به تاسیس مراکز فرهنگی و علمی نیز مبادرت می نمودند و به این صورت از حامیان این عرصه به شمار می رفتند. تعداد زیادی از نهاد های آموزشی عصر صفوی در سایه ی توجه زنان مرفه این دوره به امور خیریه و کمک به تقویت علم و فرهنگ بنا شده اند. تعدادی از نهادهای آموزشی به همت زنان دایر شده که برخی از آنها خوشبختانه هنوز پابرجاست و برکات آن تا به حال استمرار داشته است. از جمله می توان مدرسه ای به نام «نیم آور» اشاره نمود که در کنار یکی از ورودی های بزرگ اصفهان بنا گردیده و بانی آن زینب بیگم اردستانی بوده است (رفیعی، ۱۳۵۲). علاوه بر تاسیس و ایجاد موسسات علمی و آموزشی، مساعدت های قابل ملاحظه تعدادی از بانوان باعث حیات و رونق مراکز علمی و آموزشی دوران صفوی گردیده است برای نمونه می توان از مدرسه چهار باغ یا مدرسه علمیه امام صادق (ع) نام برد که در زمان شاه سلطان حسین ایجاد شده است. این مدرسه را مدرسه مادر شاه نیز می گفته اند و علت آن این بود که مادر شاه سلطان حسین صفوی سرای فتحیه را که مدت ها است جای آن مهمانسرای عباسی ساخته شده است و همچنین بازار چه بلند که امروزه در اصفهان به عنوان بازار هنر معروف است وقف بر مدرسه کرده تا منافع آن به مصرف این واحد آموزشی و دانش آموختگان و مدرسان آن برسد (ریاحی، ۱۳۸۵).

در همین دوره زنان دانشمند و فرهیخته دیگری در زمینه های مختلف علمی و ادبی برخاسته اند: حمیده رویدشتی و خدیجه سلطان بیگم داغستانی ادیب و شاعر معروف. حمیده دختر شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی است. پدرش به موال شریف معروف بوده و از شاگردان شیخ بهائی به شمار می رفته است. مولف ریاض العلماء که معاصر او بوده، در توصیف شخصیت این بانو آورده است: او عالمه و استاد بانوان عصر خود بوده و در علم رجال اطلاعات کافی داشته است و هم دارای نوشته های پرمایه و پاکیزه ای بوده است. وی بازمانده فضالی سرشناس و در بین مردم زنی پرهیزگار بود. از او برای بعضی

کتاب های حدیثی، استبصار طوسی حواشی و تدقیقاتی برجای مانده است که نشانگر نهایت فهم او و دلالت بر دقت نظر و اطلاع وی می کند. به ویژه در آنچه مربوط به تحقیق در علم رجال است. در دروان صفویه علاوه بر اینکه تعدادی از زنان در عرصه های مختلف حضور داشتند، به مناطق مختلف ایران و سایر کشورها از جمله هند، عراق، شام، حجاز و یا سایر ممالک برای کسب معلومات و علم آموزی و یا زیارت و سیاحت مسافرت می نمودند (همان).

نتیجه گیری

دوره صفویه با تلاش های شاه اسماعیل بر تخت سلطنت ایران تکیه زدند و دین تشیع را دین رسمی کشور اعلام کردند. عرفان، دین و زندگی دنیوی که در دوره صفویه در اصفهان حقیقت زندگی مردم شده بود و تأثیرات تفکر شیعی که در حکمت آن دوره ترکیب شد، موجب پدید آمدن سبکی بسیار نو در زبان و ادبیات ایرانی، به نام مکتب شعر اصفهانی یا صفوی یا همان سبک هندی معروف شد. مدارس آموزشی و کتابخانه آن دوره آن قدر وسیع بوده است که اولثاریوس پس از شش سال گشت و گذار در ایران می نویسد: «کمتر ایرانی دیده می شود که خوندن و نوشتن نداند». هنر و معماری صفوی بیشتر جنبه کمی داشته و در زمینه تزئینات در معماری از هنر ساسانیان متأثر بوده و نوآوری خاصی نداشتند. مساجد شیعی در صفویه نشان دهنده ی همبستگی روح معماران شیعی، با مبانی اعتقادی این مذهب است. هنر قالی بافی از کهن ترین هنرهای ایران زمین است که ریشه در ذوق و زیبایی پروری ایرانیان دارد. نقطه عطف این هنر در تاریخ ایران در دوران صفویه است. عوامل زیادی در اعتلای این هنر دخیل بود و بعد از انقراض صفویان نیز از بین نرفت بلکه زیربنای مستحکمی برای قرن های بعدی شد. اوج گیری هنر قالی بافی عصر صفوی حاصل بلنداندیشی شاهان این دوره به ویژه شاه عباس بود شاهان صفوی علاقه وافری به هنرهای سنتی داشتند که همین امر سبب توجه و سرمایه گذاری بر قالی بافی شد. شاردن، زنان دوره صفوی را این گونه توصیف می کرد «اغلب زنان در فعالیت های مولد خانگی، آشپزی، دوختن لباس شرکت داشتند. زنان طبقات بالا کار نمی کردند. زنان شهری نیز حجاب داشتند و از کل جامعه جدا بودند». با همه محدودیت ها زنان هرگز دست از تلاش و کوشش برنمی داشتند در این دوران زنان دانشمند و فرهیخته بسیاری در زمینه های مختلف علمی و ادبی برخاسته اند و آنهایی که دارای تمکن مالی بودند به ساخت تعداد زیادی بناهای آموزشی و بازار و مدرسه می پرداختند. این مقاله در پایان پیشنهاد می دهد جهت بررسی جایگاه فرهنگ مناسب است اطلاعات را از اتفاقات سیاسی آن دوره استخراج کرد.

مراجع

۱. صدری افشار، غلام حسین و دیگران، (۱۳۷۷)، فرهنگ فارسی امروز، ویرایش سوم، تهران، انتشارات آرین.
۲. ستوده، هدایت الله، (۱۳۷۶)، آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور.
۳. مالینوفسکی، برونیسلاو، (۱۳۸۴)، نظریه ای علمی درباره فرهنگ، ترجمه ع. زرین قلم، تهران، انتشارات گام نو.
۴. سلیمی، حسین و سیفی آتشگاه، حافظه، (۱۳۸۸) نشریه "رهیافت های سیاسی و بین المللی"، مقاله "تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ (مطالعه موردی ژاپن)"، تهران، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳، دوره بهار، ۲۰۵ - ۱۶۹.
۵. صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات مجید.
۶. سوچک و دیگران، (۱۳۸۵)، هنر و ادب ایران، یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
۷. تمیم داری، احمد، (۱۳۹۲)، عرفان و ادب در عصر صفوی، تهران، انتشارات حکمت.
۸. وزیری، سعید، (۱۳۸۸)، ادبیات داستانی در ایران از روزگار باستان تا مشروطه، تهران، انتشارات دیگر.
۹. پوپ، آرتور، (۱۳۶۶)، معماری ایران، انتشارات انزلی.
۱۰. بلر، شیلا و بلوم، جانانان، (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی ۲، تهران، انتشارات سمت و فرهنگستان هنر.
۱۱. کیانی، محمد یوسف، (۱۳۷۷)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
۱۲. علام، نعمت اسماعیل، (۱۳۸۲)، هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی، ترجمه ع. تفضلی، مشهد، انتشارات به نشر.
۱۳. حشمتی رضوی، فضل الله، (۱۳۸۰)، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۴. یساوولی، جواد، (۱۳۷۹)، قالی و قالیچه های ایران، ترجمه م. تولایی و م. نصیری، چاپ سوم، تهران، انتشارات یساوولی.
۱۵. واکر، دانیل، (۱۳۸۴)، فرش های دوران صفویه، دایره المعارف ایرانیکا، ویراستار احسان یارشاطر، ترجمه ر. لعلی خمه، چاپ اول، تهران، انتشارات نیلوفر.
۱۶. ادواردز، سیسیل، (۱۳۶۸)، قالی ایران، ترجمه م. صبا، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگسرا.
۱۷. اسکارچا، جان روبرتو، (۱۳۹۰)، هنر صفوی، زند، قاجار، ترجمه ی. آژند، تهران، انتشارات مولی.
۱۸. نصیری، محمد جواد، (۱۳۷۴)، سیری در هنر قالی باقی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات محمد جواد نصیری.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، روزگاران. تهران: انتشارات سخن، چ ۶، ۱۳۸۴.
۲۰. اسدی، طاهره، (۱۳۸۹)، "تأثیرات حکما و فیلسوفان دوره ی صفوی بر شاعران این دوره"، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادبیات فارسی و پژوهشهای میان رشته ای، جلد اول، دانشگاه بیرجند، ایران، ۱۹ آبان، ۲۱۱۲-۲۱۱۱.
۲۱. فرشاد، مهدی، (۱۳۶۶)، تاریخ علم در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ج ۲.
۲۲. صادقی، مقصودعلی، (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش صفویه در گسترده تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، قم، نشر زمزم هدایت.
۲۳. کاظمی، خدیجه، (۱۳۸۸)، آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره ی قاجار، قزوین، انتشارات اندیشه زرین.
۲۴. رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم، (۱۳۵۲)، آثار ملی اصفهان، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۵. ریاحی، محمدحسین، (۱۳۸۵)، نقش بانوان شیعه اصفهان در فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ده.